

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

استاد محمد تقی فیاض بخش

شرح حدیث معراج

فصل ۱۵- ادامه‌ی فراز ۷۹: بیداری دل در حال خواب بودن دیدگان

۱ خرداد ۹۱- بخش دوم

توصیه‌هایی در مورد ماه رجب

فصل ۱۵: ویژگی‌های اهل آخرت و پاره‌ای از نعمت‌های معنوی و اخروی که خداوند متعال به آن‌ها ارزانی می‌دارد

«يَا أَحْمَدُ! إِنَّ أَهْلَ الْآخِرَةِ رَقِيقَةٌ وَجُوهُهُمْ، كَثِيرٌ حَيَاؤُهُمْ، قَلِيلٌ حُمُقُهُمْ، كَثِيرٌ نَفْعُهُمْ، قَلِيلٌ مَكْرُهُمْ...»

ای احمد! اهل آخرت چهره‌هایی متواضع دارند، حیای آن‌ها فراوان، کم‌خردی‌شان ناچیز و سودشان سرشار و مکرشان اندک است ...

ادامه‌ی فراز ۷۹: بیداری دل در حال خواب بودن دیدگان

«تَنَامُ أَعْيُنُهُمْ وَلَا تَنَامُ قُلُوبُهُمْ.»

چشمانشان به خواب می‌رود و دل‌هاشان نمی‌خوابد.

مرور مطالب گذشته

مطلب به این جا رسید که ما در نگاه سوم که نگاه معرفت‌النفسی است، نگاهمان به انسان، نگاه به مرتبه‌ی عالی انسان است. به عبارت دیگر مرتبه‌ی خلیفت‌اللهمی انسان مرتبه‌ی حقیقی او و سایر مراتب، مراتب سافل اوست که به نسبت نزدیک شدن به آن مرتبه‌ی حقیقی می‌شود مرتبه‌ی انسانی. لذا تأکیدهای قرآن بر تقوی برای مؤمنین، برای همین توجه به مراتب بالاتر و بالا بردن خود از مراتب نازل است. مؤمن اگر مؤمن باشد با تقوا هم هست. تأکید بر تقوا برای مؤمن به این معناست که مدام با توجه به مراتب عالی‌ه خودت را بالاتر بیاور.

توجه به مراتب روح انسانی

نتیجه‌ی مطالب قبلی انسان موجود ذومراتبی است که عالی‌ترین مرتبه‌ی او مرتبه‌ی حقیقی او است و همان خلیفت‌اللهی است. سایر مراتب او مراتب باطل او هستند و نه باطل محض بلکه مراتبی که باید با عبور از آن‌ها به آن مرتبه‌ی عالی برسد. خود و ناخود و کس و ناکس هم در اشعار ما به همین معانی اشاره دارند. لذا به بدن خاکی ناخود یا ناکس می‌گویند؛ نفس اماره ناخود است. در تعبیر قرآنی وقتی از روح صحبت شده است، منظور همان روح انسانی در عالی‌ترین مرتبه است. خداوند انسان را در آن مرتبه خلق کرده است. اساساً انسان در آن مرتبه انسان شد. اگر این نباشد که حیوانات هم در برابر او سجده نخواهند کرد چه رسد به ملائک. «ملک در سجده‌ی آدم زمین بوس تو نیت کرد».

بنابر این مرتبه‌ی خلیفت‌اللهی انسان حقیقت انسان است. انسان کامل هم یعنی انسان در آن مرتبه‌ی خلافت‌اللهی.

به مناسبت آیه‌ای که در بخش قبل شاهد آورده شد که «ثُمَّ أَوْزَنَّا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا»^۱ در مورد اصطفی توضیح بدهیم. واژه‌ی اصطفی در آیه‌ی شریفه‌ای که قرائت شد، از صفی می‌آید. «صفو» یعنی ناخالصی را کاملاً از چیزی خارج کردن؛ همان صفایی که می‌گوییم. مثلاً وقتی مس را تخلیص می‌کنند طلایش را هم از آن می‌گیرند. ما کاری نداریم چه چیزی از آن می‌گیرند. ما با مس کار داریم. حتی جدا کردن طلا از مس را هم اصطفاء می‌گویند. در این فضا انسان مصطفی یعنی انسانی که کل ناخالصی‌های ناشی از مراتب پایین‌تر از مرتبه‌ی خلیفت‌اللهی از وی حذف شده است. مصطفی همان صفواست که به بات افتعال رفته است. انسان مصطفی یعنی انسانی که غیر از مقام خلافت‌اللهی هیچ چیز دیگری در او نیست. لذا لیاقت دریافت کتاب در این بندگان خالص خالص وجود دارد. این‌ها «السابقون السابقون» هستند.

^۱ فاطر، ۳۲

لذا در لسان معرفت النفس می گوید که من انسان را کون جامع می بینم. یک مرتبه‌ی عالی دارد که مرتبه‌ی حقیقی او است همان مرتبه‌ی خلافت الهی اوست. سایر مراتب هم دامنه‌های آن هستند. لازمه‌ی انسان بودنش این است که سایر مراتب را هم داشته باشد. غفلت در هر مرتبه از مراتب انسانی به منزله‌ی خواب آن مرتبه است.

شاهد روایی

روایت هم خوانده شد که از امام که سؤال می‌کنند می‌فرمایند که اولیاء الهی پنج روح دارند، مؤمن چهار روح و انسان‌های معمولی سه روح که همان روح قوه و روح شهوت و روح بدن هستند. گفته شد که روح القدس همان مقام ولایت است که صاحب آن گناه نمی‌کند. این روح در انبیاء و معصومین علیهم السلام هست. مراتب نازله‌ی روح القدس بنا بر مقام قوت ولایت در مؤمن هم هست. لذا روایت داریم که از فراست مؤمن برحذر باشید:

۱. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «اتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّمُتَوَسِّمِينَ»»^۲

۲. عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ عِلْمِ الْعَالِمِ فَقَالَ «يَا جَابِرُ إِنَّ فِي الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ خَمْسَةَ أَرْوَاحِ رُوحِ الْقُدُسِ وَرُوحِ الْإِيمَانِ وَرُوحِ الْحَيَاةِ وَرُوحِ الْقُوَّةِ وَرُوحِ الشَّهْوَةِ فَبِرُوحِ الْقُدُسِ يَا جَابِرُ عَرَفُوا مَا تَحْتَ الْعَرْشِ إِلَى مَا تَحْتَ الثَّرَى ثُمَّ قَالَ يَا جَابِرُ إِنَّ هَذِهِ الْأَرْوَاحَ يُصِيبُهَا الْحَدَثَانُ إِلَّا أَنَّ رُوحَ الْقُدُسِ لَا يَلْهُو وَلَا يَلْعَبُ»^۳

جمع بندی معنای حدیث

با این نگاه به سراغ عبارت حدیث می‌رویم. عبارت حدیث این بود که «تنام أعینهم ولا تنام قلوبهم»

خواب مخصوص مراتب نازله‌ی روح است

تا زمانی که انسان در عالم دنیا است آن ارواحی که مدبر مرتبه‌ی بدنی انسان هستند، که همان سه روح مشترک در همه‌ی انسان هاست، هماهنگ با بدن هستند. بدن خسته می‌شود، خسته می‌شوند و می‌خوابند. اما مراتب بالاتر از

^۲ کافی (ط-السلامیه)، ج ۱، ص ۲۱۸

^۳ بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۵۵

آن با بدن کاری ندارند. مراتب بالاتر در عوالم خودشان هستند و با حقیقت خودشان سیر می‌کنند. به عبارت دیگر در حال خواب تنها روح حیوانی به خواب می‌رود. به عبارتی روح قوت، شهوت و بدن به خواب می‌روند. ولی روح ایمان و روح القدس غفلتی ندارند.

خواب در فرهنگ معرفت النفس: کلاسی برای مشاهدات قلبی

در این فرهنگ خواب چیست؟ خواب در این فرهنگ دوران باطل عمر نیست. درست بر خلاف تصور اکثریت. خداوند تلطفاً و امتناناً انسان را در دنیا آورد برای این که یک دار تعلیم و تربیت و تکوین باشد برای انسان. یک دوره‌ای از دوران زندگی اش در بیداری است که عقل او فعال است و به واسطه‌ی عقلش در مسیر تعلیم و تربیت توحیدی قدم برمی‌دارد. انسان‌های مؤمن این طور هستند. می‌رود کلاس و معلم می‌بیند و کتاب می‌خواند. این علم کسبی است. علم حصولی است. علم دیگر چشمه‌ی یزدان بود. علم دیگر علم توحید است. علمی است که در کلاس درس و این‌ها به دست نمی‌آید. عنوان بصری که خدمت حضرت می‌آید به او می‌فرمایند که «نور یقذفه الله فی قلب من یشاء» باید نورش بتابد. چطور؟ حضرت توضیح می‌دهند. یک گونه اش این است که انسان وقتی به خواب می‌رود این روح با عالم خودش که متصل می‌شود به کلاس درس دیگری وارد می‌شود. آن کلاس، کلاسی است که در کنار اولیاء الهی و ملائکه‌ی مقربین و به خصوص بزرگانی که از دنیا رفته‌اند و تربیت اهل دنیا را برعهده دارند می‌باشد.

خدا رحمت کند جناب شیخ محمدحسین زاهد معلم بود. مرد عجیبی بود. زودتر از شیخ رجبعلی از دنیا رفته بود. شیخ رجبعلی از ایشان خواسته بود که به خوابش بیاید و تعریف کند. یکی از اولیاء الهی او را در خواب دیده بود و گفته بود که ایشان در عالم برزخ حکومتی دارد و سرش خیلی شلوغ است. تربیت نفوس کثیری از مؤمنین را خداوند به او سپرده است. لذا سرش خیلی شلوغ است و اصلاً فرصت نمی‌کند به خواب شما بیاید.

اگر انسان با شروطی بخوابد، روحش را به کلاس دیگری می‌برند. آن چه را که در عالم دنیا و بیداری با قوه‌ی عاقله کسب کرد در کلاس دیگری یاد می‌گیرد. آن چه را که در عالم بیداری در دنیا با قوه‌ی عاقله و به علم الیقین کسب کرد در عالم خواب به عین الیقین می‌بیند. عقلش در خواب کار نمی‌کند. عقل در خواب تعطیل است. اما قلب بیدار است. عقل است که حجاب تولید می‌کند. عقل مدام در حال قیاس و استدلال و برهان است. این کارها عقل را آرام

می‌کند نه دل را. دل زمانی آرام می‌گیرد که مشاهده کند. لذا در عالم خواب اگر مقدمات را فراهم کنید دل می‌تواند مشاهدات داشته باشد.

نتیجه این که در فرهنگ معرفت النفس خواب کلاس جدیدی است. این خواب برای کسانی که بتوانند خلع بدن بکنند در عالم بیداری هم امکان‌پذیر است. برای کسانی که این در، برایشان بسته است خداوند در دیگری را باز کرده است. این در، همین است که در خواب با آرامش یافتن بدن و مرتبه‌ی خاکی انسان، روح فراغت پیدا کرده و به مراتب عالی می‌رود و با ملائکه و اولیای الهی انس می‌گیرد و از آن مراتب درس می‌گیرد.

میزان مراقبه در روز تأثیر مستقیم در روح ایمان دارد. شاهد قرآنی آن آیه‌ی مبارکه‌ی ۲۲ سوره‌ی مجادله است:

۳. «أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ»^۴

آداب خواب

دستوراتی که پیرامون خواب داریم تماماً ناظر به این مسأله است.

اولاً در یک نگاه کلان در نظر داشته باشید، به میزانی که بیداری انسان، یقظه‌ی واقعی باشد؛ یعنی تشویش‌های روحی و خواطر شیطانی و آلودگی‌هایی که روح را کدر می‌کند از او دور باشد، محاسبه داشته باشد، حشر و نشر با انسان‌های آلوده نداشته باشد و خلاصه روح پاک و مطهری داشته باشد؛ به خصوص در اواخر شب و قبل از خواب، از خوابش استفاده خواهد کرد. از تکنولوژی باید استفاده کرد و نباید در آن غرق شد به طوری که این حالت پاکی روح از بین برود. لذا اگر بتوانیم ساعات قبل از خوابمان ساعت خوبی باشد؛ انسان قرآنی خوانده باشد، عبادتی کرده باشد؛ آرامش روحی داشته باشد، تلاطم‌های ناشی از درگیری‌های فکری و لفظی و غیره را نداشته باشد و خلاصه روح قبل از خواب آرام باشد؛ این روح در خواب با همان آرامش به عوالم بالا سفر می‌کند و استفاده می‌کند.

ثانیاً دستوراتی که برای خواب گفته‌اند تماماً مربوط به همین مسأله است. در کتاب آداب المریدین، بخشی از آداب مربوط به خواب آمده است. روح مطلب را باید بگیریم.

^۴ مجادله، ۲۲

۱. می‌گویند که در حالت خواب فرض کنید که می‌خواهید بمیرید و لذا تمام مسائل نزدیک مرگ قبل از خواب هم توصیه شده است باید اجرا شود. مثل با وضو بودن، رو به قبله بودن، وصیت نوشتن و ذکر گفتن. می‌فرمایند که قبل از خواب ذکر تهلیل را آن قدر تکرار کند که با آن به خواب برود. درست مثل تلقینی که برای میت می‌خوانند که توحید و ولایت را به او یادآوری می‌کنند.

۲. دستور دیگری که خیلی توصیه می‌کنند حمد و آیت الکرسی و برخی دیگر از آیات است. آیت الکرسی باعث می‌شود شیاطین از انسان دور شوند و روح پاکیزه باشد. لذا آیت الکرسی را خیلی توصیه می‌کنند که در موقع خواب خوانده شود.

۳. سوم و به خصوص با وضو بودن خیلی توصیه شده است. حتی از جناب سلمان وقتی سؤال می‌کنند، می‌گوید همه‌ی شب‌ها تا صبح بیدارم. بقیه فکر کردند که ایشان چون عجم است دارد فخر فروشی می‌کند. وقتی می‌پرسند می‌گوید که از پیغمبر خدا شنیدم که کسی که با وضو به بستر خواب برود «فراشه کمسجده». ضمن این که با وضو بودن شیاطین را از انسان دور می‌کند.

۴. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ نَامَ عَلَى الْوُضُوءِ إِنْ أَدْرَكَهُ الْمَوْتُ فِي لَيْلِهِ فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ شَهِيدٌ»^۵

۵. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَنْ تَطَهَّرَ ثُمَّ أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ بَاتَ وَفِرَاشُهُ كَمَسْجِدِهِ فَإِنْ قَامَ مِنَ اللَّيْلِ فَذَكَرَ

اللَّهَ تَنَاطَرَتْ عَنْهُ خَطَايَاهُ فَإِنْ قَامَ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ فَتَطَهَّرَ وَصَلَّى رُكُوعَتَيْنِ وَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَصَلَّى عَلَى النَّبِيِّ

ص لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ إِمَّا أَنْ يُعْطِيَهُ الَّذِي يَسْأَلُهُ بِعَيْنِهِ وَإِمَّا أَنْ يَدْخِرَ لَهُ مَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ مِنْهُ»^۶

۴. مطلب بعدی تسبیحات حضرت زهرا سلام الله علیها است که خیلی خواص دارد.

۵. مطلب پنجم چهار قل است.

۶. ششم سوره‌ی مبارکه‌ی واقعه است که خیلی توصیه شده است.

^۵ دعوات راوندی، ص ۲۱۴

^۶ کافی (ط-الاسلامیه)، ج ۳، ص ۴۶۸

۷. هفتم این که قبل از خواب انسان چند آیه‌ای از قرآن را بخواند. نه این که در حالت درازکشیده در بستر بخواند. سور مسبحات توصیه شده است که البته طولانی است. حداقل آیات ۲۰ به بعد سوره‌ی حشر را بخواند. این آیات اسم اعظم دارد و اگر انسان قبل از خواب به اسم اعظم متوسل شود خیلی اثرات دارد.

۸. محاسبه‌ی نفس قبل از خواب و توبه و استغفار قبل از خواب بسیار مؤثر است. انسان توبه بکند و پاک بشود و با حالت پاکی به خواب برود.

در مفاتیح الجنان و در آداب المریدین آداب قبل از خواب مفصل تر آمده است.

توصیه‌هایی در مورد ماه رجب

توصیه ای که مرحوم استاد و اساتید ایشان می‌فرمودند و چکیده‌اش در کتاب اقبال سید هست را می‌گوییم.

رجب: ماه ولایت

اولاً ماه رجب معروف است به شهر الله. در عین حال معروف است که به وجود مبارک امیر مؤمنان علی علیه السلام مرتبط است. اگر شعبان ماه رسول اکرم باشد باب ورود آن از ماه رجب است. اگر انسان رجب خوبی نداشته باشد شعبان خوبی ندارد و در این صورت توحید خوبی ندارد. ماه رمضان ماه خود خدا و توحید است. لذا باید از آن کمر را محکم بست.

مراقبه و محاسبه

بیشترین توصیه و تمام توصیه و بالاترین توصیه این است که مراقبه‌ی جدی داشته باشید. مراقبه‌ی از حرام که عمده‌ی مراقبه هم همین است. اگر کسی در زندگی بنایش بر این باشد که حرامی مرتکب نشود بارش را بسته است. در روایت امیرالمؤمنین است که «اعظم الورع اجتناب المحارم». با ورع ترین انسان‌ها این است که محرمات الهی را مرتکب نشود. انسان باید گناه‌شناس هم باشد یعنی احکام دینی‌اش را بداند.

بزرگان می‌فرمایند که سالک باید مجتهد باشد. اما مراد مجتهد به معنای معمول نیست بلکه مراد مجتهد به معنای دین‌شناس است. باید ظرف تمیز باشد. اگر قلب کثیف و آلوده به گناه باشد هزاری هم انواع عبادت را انجام دهیم مثل این است که آب زلال را در ظرف کثیف بریزیم. لذا اجتناب از محارم مراقبه‌ی مرحله‌ی اول است و لذا انسان باید مجتهد باشد. حرام خدا و واجب و مستحبات و مکروهات را بشناسد. از محرمات اجتناب کند و واجبات را انجام دهد.

لذا مقید باشید محاسبه را خیلی سفت و سخت انجام دهید.

سعی در حضور قلب در نمازها

خیلی‌ها خودشان را برای یک کار مستحب به زحمت می‌اندازند و از کاری واجب می‌مانند. خیلی‌ها به نماز شب اهتمام دارند خیلی هم خوب است. نماز شب در دستورات بزرگان جزء مراتب متوسط بود نه مراتب اول. اگر نماز یومیه‌ی ما خیلی با توجه و با حال نباشد نباید خیلی تأکید روی نماز شب داشته باشیم. اگر نماز یومیه درست شود

آن چنان نورانیتی در زندگی انسان به وجود می‌آورد که از آن به بعد او را بیدارش می‌کنند. لازم نیست که به زحمت و با ساعت خودش را بیدار کند.

در این ماه رجب یک کم غیرت به خرج بدهیم. خدا انسان‌های غیور را دوست دارد. کسی که با غیرت وارد میدان شود خدا هم دست او را می‌گیرد. از کمترین شروع کنیم. سعی کنیم نمازهایمان را با حضور قلب بخوانیم. کار سختی است ولی «إن أخذ القليل خیر من ترک الكثير». لاقل دو رکعت نماز صبح را با حضور بخوانیم. اگر نمی‌شود تنزلش دهیم. اگر در هیچ بخشی نمی‌توانیم لاقل در یک سوره‌ی حمدش حضور قلب داشته باشیم.

نازل‌ترین مرتبه‌ی حضور قلب بعد از رعایت مسائل فقهی توجه به معانی کلماتی است که می‌خوانیم. در نماز صبح چون روح تازه از خواب بیدار شده آرام است و امکان حضور بیشتر است. انسان قبل از این که هر عبارت را بخواند به معنایش توجه کند. مقید باشیم که با حضور نماز را بخوانیم. اگر مثلاً الرحمن الرحیم را بدون توجه گفتید برگردید دو باره بگویید. نهایتاً سه بار این کار را بکنید. لذا فتوای امام این بود که یک سوره را بیشتر از دو بار به طور کامل نمی‌توانیم بخوانیم. حتی اگر این هم نمی‌شود در نافله‌ی صبح تمرین کنید و دو بار سوره‌ی حمد را بخوانید و تمرین کنید که با حضور قلب باشد. همت کنیم و غیرت به خرج بدهیم. مقید شویم که این کار را بکنیم. خواهیم دید که خدا هم کمک می‌کند.

مثل ما در سیر و سلوک مثل کسی است که خوابیده است و انتظار دارد خدا بیدارش کند.

پس در ماه رجب دو دستور عرض شد: مراقبه و نماز با حضور قلب.

عظمت ماه رجب

ماه رجب اول ماه‌های حرام است. مرحوم سید می‌نویسد که بین که عرب جاهلی از ما با غیرت‌تر بود. عرب جاهلی حرمت این ماه را حفظ کرد و گفت که من دیگر غارت‌گری نمی‌کنم؛ جنگ نمی‌کنم. اگر کسی در این ماه غارت‌گری می‌کرد خیلی بد بود.

روایتی است که هم مرحوم میرزا جواد آقا دارد و هم در اقبال:

اول شب‌های ماه رجب ملکی در آسمان هفتم ندا می‌دهد. این آسمان هفتم حکمت دارد. یعنی این ندا برای همه است. در شب‌های ماه رجب این ملک تا صبح فریاد می‌زند. تعبیر این است که «طوبی للذاکرین» خوش به حال کسانی که یک خرده شب‌های رجبشان با سایر ایام سال تفاوت دارد. در این شب‌ها خداوند می‌فرماید «أنا جلیس لمن جالسني و مطیع لمن أطاعني». این روایت «عبدی أطعنی حتی أجعلک مثلی» را خیلی‌ها نمی‌پذیرند. می‌گویند ضعیف‌السند است. اگر این طور باشد با دعای ناحیه‌ی مقدسه در ماه رجب چه می‌کنید که «لا فرق بینک و بینها إلا أنهم عبادک و خلقک». این روایتی که خواندیم را چه می‌کنید؟ پروردگار می‌فرماید که «أنا مطیع لمن أطاعني». اگر روایت این طور بود که مثلاً من أطاعنی فأنا مطیعه باز کمتر سنگین بود. خداوند این قدر خاضع است در مقابل چنین کسی که در ماه رجب اطاعت داشته باشد. بعد می‌فرماید که اگر کسی واقعاً استغفار کند من می‌پذیرمیش. کسی که در این شب‌ها مرا بخواند جوابش را می‌دهم. ذکر یونسیه را در قنوت‌هایتان بخوانید که «ظلمت نفسي فاغفر لي اني كنت من الظالمين». تا جایی که می‌فرماید که من این شهر را ریسمانی بین خودم و بندگانم قرار دادم. کسی که به این ریسمان چنگ بزند به من می‌رسد.

استاد به دعای ناحیه‌ی مقدسه و سایر اذکار تقید داشتند. به خصوص استغفار صبح و شب. به شب اول ماه رجب خیلی اهمیت بدهید. فرض کنید عزیزی از سفر آمده است. استقبال جدی شما از او چگونه خواهد بود؟ استقبال از ماه رجب و ایام عبادت و بندگی در همین شب اول رجب است.